

درباره مزار «شاهزاده حسین» که تلفیقی از معماری دوره صفوی وقاجار است

آرامگاهی منتسب به طفل خردسال امام رضا(ع)



تصویری از مرمت مزار «شاهزاده حسین» در دوره قاجار

هادی دقیق‌اپس از اینکه شاه‌تیماسب صفوی قزوین را مرکز حکومت ایران کرد، نام این شهر بر سر زبان‌ها افتاد و رونقش بیشتر شد. با وجود این، تاریخ شهر و منطقه آن قدر طولانی است که صفویان صرفاً اعتباری بر ارزش پیشین شهر افزودند. ناصرخسرو هم وقتی سال ۴۲۸قمری از قزوین می‌گذشته، شهر را چنین توصیف کرده‌است: «و قزوین را شهری نیکو دیدم. بارویی حصین و کنگره بر آن نهاده و بازارهایی خوب مگر آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین و رئیس آن شهر مردی علوی بود.» و از این دست اشاره‌ها که حتی خیلی پیش‌تر از صفویان هم قزوین را شهری بزرگ و آباد خوانده‌اند.

بافت تاریخی قزوین از جمله نمونه‌های عالی در کشور است. هرچند به پای نقش جهان اصفهان و کتجلی‌خان کرمان نرسد. جدا از این بافت و معماری چشم‌نوازش مثل سرای ثبت جهانی‌شده سعدالسلطنه و بناهای اطرافش، سراسر شهر پر از آثار تاریخی است. یکی از آثار تاریخی قزوین که آذر۱۳۱۴ ثبت ملی شده است، مزار شاهزاده حسین است.

- تاریخ مزار

مزار شاهزاده حسین قزوین جزو مکان‌های مذهبی قدیمی ایران است وکهن‌ترین سندی که از آن موجود است مربوط به هفت‌هشت سال پس از سفر ناصرخسرو به این شهر است. این بنا کنار یک گورستان قدیمی در حاشیه جنوبی شهر ساخته شده است؛ گورستانی که هنوز هم اموات در آن دفن می‌شوند. در متون تاریخی به این اشاره شده است که «در این گورستان مزار منسوب به فرزند حضرت علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) هست که در خردسالی درگذشته بود». حمدا…مستوفی هم که سال ۶۸۰قمری در قزوین زاده شده و سال ۷۵۰قمری درگذشته و آرامگاهش در این شهر از نمونه‌های شاخص معماری ایلخانی است، در «نزهةالقلوب» چنین می‌نویسد: «و در آنجا مشهد امامزاده حسین، پسر امام علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) و قبر یکی از صحابه و مزار اولیای کبار بسیار است.» با همه این‌ها، مزار شاهزاده حسین قزوین از سده پنجم هجری شناخته شده و زیارتگاه عموم مردم بوده است. نکته‌ای که اینجا نقش صفویان را پررنگ می‌کند، ساختن آرامگاه بر مزار شاهزاده حسین است که البته آن هم همه ماجرا نیست؛ کار را که کرد؟ قاجاریان که تمام کردند. تقریباً از شکل وشمایل مزار پیش از دوره صفویان چیزی نمی‌دانیم به جز اینکه تاسده هشتم و نهم، بنای آستانه منحصر به بقعه روی مدفن نبوده و ملحقاتی داشته است. از سده دهم که صفویان روی کار آمدند، مزارهای منسوب به دودمان پیامبر^(ص) رونق یافتند، به‌ویژه در دوره شاه‌تیماسب صفوی که عملاً در بیشتر دوران حکومتش، قزوین پایتخت صفویان بود.

سال ۱۰۴۰قمری، ینتب‌بیگم، دختر شاه‌تیماسب، بنای مزار شاهزاده حسین را بازسازی می‌کند. کتیبه‌ای از کاشی معرق که پیش‌تر بالای درگاه ورودی بوده و اکنون بالای سردر ورودی جنوبی صحن آستانه است، تاریخ این بازسازی را روایت می‌کند. در دوره فتعلی‌شاه قاجار نیز بنا به شدت آسیب می‌بیند و نیازمند مرمت می‌شود، اما سال‌ها بعد در سال ۱۳۰۸قمری به دستور امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، با همکاری سعدالسلطنه، حاکم قزوین، آرامگاه مرمت وصحن پیشین خراب می‌شود و ایوانی باتزیینات کاشی‌کاری به‌عنوان ورودی بقعه احداث می‌شود. از آن زمان به بعد نیز تا امروز، مرمت‌های گاه‌وبیگاه در بنا انجام وتزییناتی به آن اضافه شده است.

- معماری مزار

مزار شاهزاده حسین داخل صحنی قرار دارد که بلائش شش ضلعی نامنظم است. پیرو این صحن، خود بقعه هم دقیقاً با پلانی مشابه صحن، در مرکز آن قرار دارد. صحن آرامگاه دو ورودی جداگانه در شمال و جنوب دارد و از آنجاکه ایوان اصلی و پرتزیینات بقعه هم در جهت شمال است و سردر ورودی صحن شمالی هم ایوانی باتزیینات کاشی‌کاری است، می‌شود ورودی شمالی را ورودی اصلی آرامگاه دانست. سردر اصلی صحن در شمال، ایوانی است با شش مناره که دوبه‌دو قرینه یکدیگرند. زیر این ایوان یک در چوبی است. همه آنچه در این ورودی دیده می‌شود، در دوره ناصرالدین‌شاه ساخته شده است. پس از در ورودی، یک هشتی است که با چند پیچ وخم، زائر را به داخل صحن می‌رساند. از همین جا می‌شود رزق وبرق کاشی‌های زردرنگ قاجاری را دید، کاشی‌هایی که در سراسر بنا فریاد می‌زنند اینجا در دوره قاجار به شکلی اساسی مرمت، تزیین و بازسازی شده است. دورتادور صحن نیز ججره‌ها و چشمه‌طاق‌هایی برای زائران تعبیه شده است.

پیش‌تر هم گفتیم که بقعه آرامگاه با همان پلان شش ضلعی نامنظم صحن، در مرکز آن قرار دارد. بقعه گنبدی دپویش دارد و در ضلع شمالی‌اش یک ایوان شکیل فجری ساخته شده است، مشابه آنچه در کاخ گلستان تهران می‌بینیم، اما در اندازه‌ای کوچک‌تر. سقف این ایوان روی چهار ستون و دو نیم‌ستون هشت‌ترک استوار شده است. دو طرف این ایوان دو اتاق قرینه قرار دارد که اکنون کفشداری بقعه هستند. زیر این ایوان یک در منبت‌کاری نفیس وپرکار نیز دیده می‌شود که تاریخ ساخت روی آن، زمانه شاه‌تیماسب صفوی را نشان می‌دهد. زیر این ایوان شعری به خط نستعلیق نوشته شده است که می‌گوید این ایوان آینه‌کاری هم کار دولت ناصری است: «در زمان دولت خاقان قیصر یاسپان/ ناصرالدین‌شاه غازی خسرو صاحبقران/ شد علی اصغر امین داور داراشکوه/ جاکر سلطان ایران خادم این آستان/ سال ۱۲۰۷». پس از آن، فضای زیر گنبد است که به‌صورت هشت ضلعی باچهار رواق در جهت‌های اصلی ساخته شده است. بقعه امامزاده دوطبقه است و طبقه بالایی آن دو اتاق مستطیلی بزرگ دارد. بقعه شاهزاده حسین قزوین ایوان‌ها و ورودی‌های دیگر و کتیبه‌های بی‌شماری دارد که بیشترشان با شعر تزیین شده‌اند. اما مهم‌ترین بخش‌های بنا در همین یادداشت معرفی شده‌اند. مصالح بنا نیز بیشتر آجر و ملات گچ و ساروج است. اماز سنگ مرمر و آینه و کاشی‌های هفت‌رنگی که تقریباً همه دیوارهای بنا را پوشانده‌اند هم باید به‌عنوان دیگر مصالح بنا یاد کرد.

با این تفاسیر، بنای شاهزاده حسین قزوین را می‌شود یکی از آثار مهم دوره صفویه دانست که الحق تأسیسات و تزیینات پرشمار قاجاری، شکوهی دیگر به آن بخشیده است.



اشتبه
۲ آذر ۱۳۰۴
صفحه ۴۴۱
شماره ۴۴۴

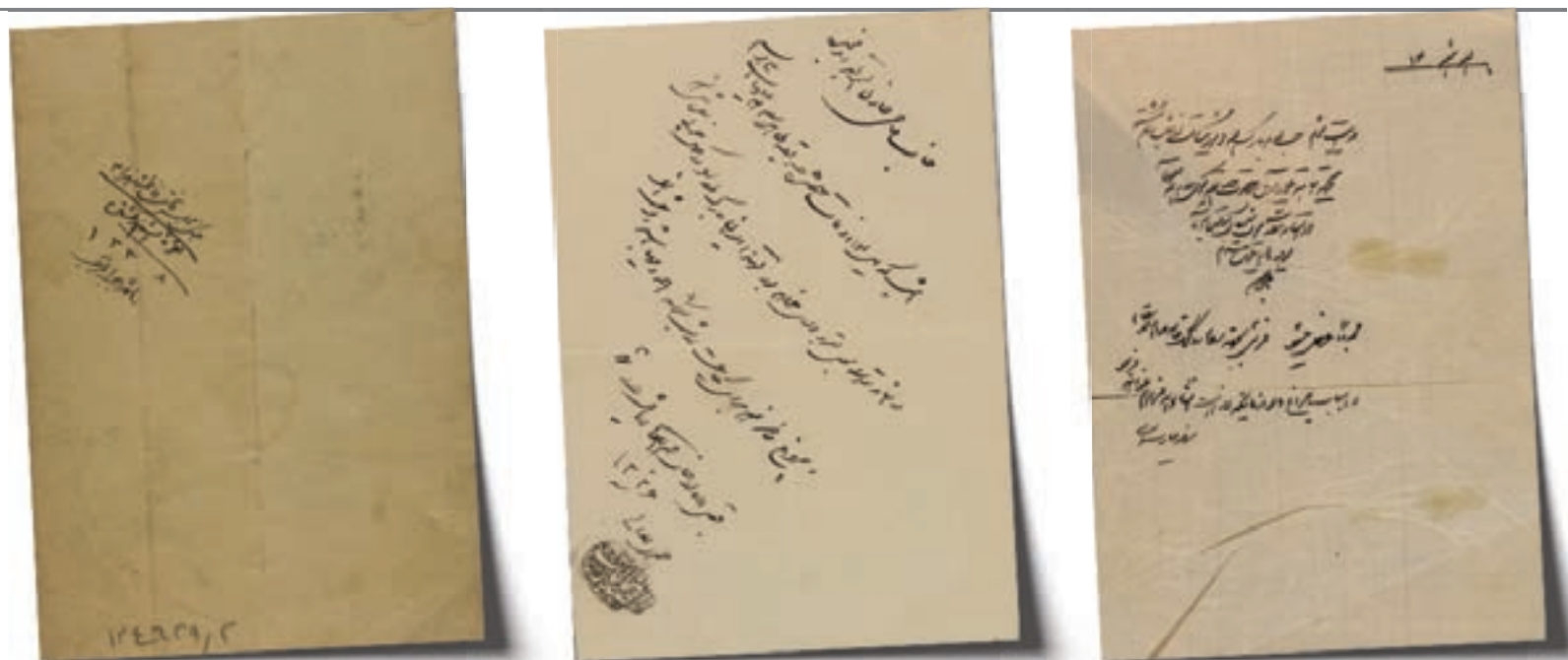
۱۵



تاریخ و هوین

گذری بر پیشینه عزاداری برای حضرت زهرا^(س) در خراسان

تاریخ سیاه‌پوشی در سوگ بانو



سندی از درخواست تهیه چراغ، فرش و لوازم عزاداری برای شب شهادت حضرت زهرا^(س)	سند برگزاری عزاداری حضرت زهرا^(س) در ایوان طلا/ سال ۱۳۲۶قمری	سند برگزاری مجلس روضه برای حضرت فاطمه^(س) سال ۱۳۳۸قمری
---	---	---

گروه تاریخ‌وهویت | سال‌ها پیش بود، اما کم پیش می‌آید که آدم خاطرات بیجکی‌اش را از یاد ببرد، خاصه که آن خاطرات شیرین و دل‌نشین باشد. من هم از یاد نبردم، خاطرم هست یک ماه مانده به همین ایام، صدای خرت‌خرت چرخ خیاطی بی‌بی‌رباب بلند می‌شد و صبح و شب نمی‌شناخت. وقتی هم که صدا می‌آمد، مادر یک یازهرا^(س) می‌گفت و خدا عمرش بدهدی می‌انداخت دنباله حرفش. بعدهم مثل آدمی که قرار است میزبان

یک مهمانی بزرگ باشد، می‌رفت سراغ اشکاف آشپزخانه و کیسه برنج و رشته‌آشی و حبوبات راوارسی می‌کرد. من نه خیلی معنی این کلمات را می‌فهمیدم، نه ماه و مناسبت می‌رسید، آمدوشد مادر به خانه بی‌بی‌رباب می‌رفت. حتی یادم می‌آید دو روز بعد از آنکه صدای چرخ خیاطی می‌خواید، یک صبح، گوشه چادرمشکی مادرم را توی مشمت می‌گرفتم و از صبح زود می‌رفتیم خانه پیرزن

همسایه. همان دم در، هنوز پله‌های ورودی را پایین نیامده، بی‌بی‌رباب سربند‌های سبز و سیاهی را به پیشانی ما دخترها می‌بست. سربندی که رویش، اسمی وسط دایره‌ای با نخ‌های سفید و آبی و بنفش گل‌دوزی شده بود. بعد هم ردیف دیگ‌ها کنار باشویه بود و «یافاطمه زهرا^(س)» که هر چند دقیقه یک‌بار در دهان زن‌های چرخید و وقتی هرکدامشان پی رتق وفتق امور برگزاری مراسم بودند؛

مراسم عزاداری بی‌بی دوعالم. سال‌ها گذشته است و حالا بهتر می‌فهمم که این اسم قرن‌هاست که با نذرها و دعا‌های زنان خراسانی آمیخته است؛ ارادتتی که در پهن کردن سفره‌های حاجت و پخت انواع آش‌ها رنگ گرفته و شاید مشهورترینشان پخت سمنو باشد ولی جلوه‌های حضور بانوی دوعالم در این‌ها خلاصه نمی‌شود و خراسان و زنان بالایمانش رسم‌هایی بی‌شمار برای این روز و این ایام دارند.

پخت آش «ابودردا»، رسمی برای همدردی با حضرت زهرا^(س)

می‌شود و روشن کردن برق ممنوع است.

- پخت آش «آماج‌کماج»

آش آماج‌کماج یکی دیگر از غذا‌های نذری است که با نام حضرت فاطمه^(س)، گره خورده است. طریقه‌ا اجرای این نذرآن است که جمعی از زنان شب سه‌شنبه با پای برهنه درحالی‌که ظرفی در دست دارند به در خانه هفت زن که نامشان فاطمه است می‌روند و طلب آرد می‌کنند. بعد آرد‌ها را با روغن زعفران خمیر می‌کنند، در اتاقی می‌گذارند و دراتاصبح فردا می‌قفل می‌کنند، زیرا رسم است هیچ‌کس نباید به آن اتاق قدم بگذارد و خمیر را تماشا کند. همچنین برای روشنائی اتاقی که سهره این هفت شمع را درون یک سینی می‌گذارند و

- پخت دیگچه

پخت دیگچه حضرت زهرا^(س) که این هم در چهارشنبه آخر ماه صفر پخته می‌شود، یکی دیگر از رسوم ویژه به نیت بی‌بی دوعالم است. زنان در هنگام پخت این دیگچه شمع روشن می‌کنند و نماز حاجت می‌خوانند. بعد دیگچه را به اتاق خلوتی می‌برند. در کل این مدت در ظرف نباید باز شود و به اصطلاح نامحرم یا غیرزن نباید آن را ببیند یا از آن بخورد، همچنین برای روشنائی اتاقی که سهره این هفت شمع را در آن پهن است از شمع یا چراغ استفاده

نخستینشان شاید مراسم پخت آش «ابودردا» باشد؛ آشی که نام درستی به روایت دکتر «ابراهیم شکورزاده‌بلوری» در کتاب «عقاید و رسوم مردم خراسان» «ابوالدردا» ست؛ رسمی زنانه که البته در ایام شهادت حضرت زهرا^(س) برگزار نمی‌شود ولی برای بانو انجام می‌گیرد و زنان خراسان را در روز چهارشنبه آخر صفر دور هم جمع می‌کند. این رسم نوعی ابراز همدردی با مادر اهل بیت^(ع) است. در این رسم، هنگام طلوع آفتاب، صاحب نذر جادر به سر می‌کند، کاسه‌ای در دست می‌گیرد و از هفت زن در هفت خانه مقداری حبوبات برای پخت آش جمع می‌کند.

ناگفته نماند که نام یکی از این زنان باید حتما فاطمه باشد. او سپس این حبوبات را با چند قلم سبزی مخلوط می‌کند و آشی می‌پزد که بین فقرا تقسیم می‌شود. پخت این آش قوانینی دارد که ساخت دو

در کنار این رسم‌های زنانه، از قدیم نیز مراسمی برای عزاداری بانو فاطمه زهرا^(س) در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شده است. در واقع حرم مطهر رضوی، مأمن عزاداران در همه ایامی است که سوگی در ورق‌های تاریخ ثبت شده و غمی از اهل بیت^(ع) بر دل مؤمنان نشسته است. مراسم شهادت حضرت زهرا^(س) نیز هرساله در صحن و سرای حضرت رضا^(ع) در ماه‌های جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی برگزار است، مراسمی با سابقه طولانی که در کنار دیگرآیین‌های مذهبی در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شده و اکنون حدود صدسندمکتوب با همین موضوع عزاداری حضرت فاطمه^(س) از دوره ناصری (قاجار) به بعد در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

- سیاه‌پوشی برای حضرت زهرا^(س) در تاریخ

تا اواخر قرن پنجم هجری قمری، خبری از عزاداری رسمی و عمومی در مشهد نیست، اما در قرن ششم این‌انثیر، خبر از برگزاری مراسم وعظی می‌دهد که روزهای جمعه برگزار می‌شده است. در اوایل قرن نهم نیز «کلاویخوی» جهانگرد در سفرش به مشهد، از این شهر به‌عنوان یک شهر زیارتی یاد می‌کند که مراسم مذهبی در ایام مختلف سال در آن برگزار می‌شده است. در دوره افشاری و نادری نیز مراسمی از این دست، برقرار بوده و اندک‌اندک در میان مردم جای خودش را باز کرده است.

با این همه دوره قاجار را می‌توان به نوعی دوره اوج‌وشکل‌گیری مراسم عزاداری میان ایرانیان، به‌ویژه مشهدی‌ها دانست و حرم مطهر مأمن برگزاری آن هاست. این مراسم معمولاً در دارالضیافه، ایوان طلای صحن عتیق، مسجد گوهرشاد، مدرسه پایین‌با مکان‌های پیرامون آن برگزار می‌شده است. گاهی وسعت مراسم، مسئولان آستان را وادار می‌کرده است مکان‌های بیشتری را به عزاداری اختصاص دهند و رواق گنبدآ..وردی‌خان و گاهی حتی اتاق تنظیف‌خانه برای این مهم آماده‌می‌شده است. مراسم شهادت حضرت فاطمه^(س) در حرم مطهر نیز همین روال را از سر می‌گذارند.

- ذکر مصیبت در صحن عتیق و مسجد جامع گوهرشاد و دارالضیافه
- در این مراسم که گاهی چندساعت

عزاداری حضرت زهرا^(س) در حرم مطهر رضوی

قند، زغال و قلیان از جمله دستوراتی بود که توسط تولیت ابلاغ می‌شد. در سندی که از شب شهادت حضرت زهرا^(س) در تاریخ جمادی‌الاولی ۱۲۲۶هجری قمری به جا مانده، صدرالممالک، متولی‌باشی آستان قدس، به خازن‌التولیه چنین دستور داده است: «جناب خازن‌التولیه امشب که لیل چهارده وفات حضرت صدقیه‌کبری –سلام..! علیها- است، علی‌الرأس در مقدسه مراسم عزاداری خواهد بود، لهذا ایوان مبارک طلا را در کمال خوبی مفروش فرموده و چراغ حاضر نموده و برای یک ساعت از شب گذشته آماده و مهیا باشد و سوخت آن را قبضی داده از جناب... دریافت نمایید.»

- اقامه عزاداری صدیقه‌کبری^(س) در ایوان طلا
- پیش از مراسم، از میهمانان مختلف و روضه‌خوانان و مرثیه‌سرایان، خطبای و مداحان دعوت می‌شد تا در گردهمایی ذکر مصیبت حضور یابند. اسنادی نیز از دعوت برای مراسم عزاداری ام اییها موجود است که مشخص نیست خطاب به چه کسی بوده است، اما از ظاهر امر معلوم است که در مراسم تعزیه حضرت فاطمه^(س) از صاحب منصبان آستان قدس دعوت می‌شده است.

در یکی از اسناد به جامانده می‌توان با ادبیات رسمی آن زمان آشنا شد؛ «حسب الامر مبارک یک‌ساعت ونیم از شب گذشته، به جهت اقامه عزاداری صدیقه‌کبری^(س) در ایوان طلای مبارک مشرف شده و پس از فراغت صرف قهوه و قلیان فرمایید.» و در سندی دیگر نیز که به احتمال زیاد مخاطب آن تولیت آستان قدس است، آمده است: «حسب الامر مبارک یک ساعت از شب گذشته به جهت اقامه عزاداری حضرت صدیقه‌کبری^(س) در آستانه مقدس مشرف شده و مجدداً عرض می‌شود برای جهت راهروی کشیک‌خانه خدام والامقام، اسباب چراغ و لوازماتی که لازم است آن‌شاء... فراهم خواهند فرمود.»

- وقف «سید محمد رئیس‌التجار» برای حضرت زهرا^(س)
- در عهد صفوی نیز که پهنه آستان مقدس

